



# Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417

DOI: 10.30479/mfh.2021.2500



## Aspects of Comprehensiveness of Bihar al-Anwar

Seyyed Mohsen Musavi<sup>1</sup>

Mojtaba Aghajani<sup>2\*</sup>

### Abstract

From the past centuries until now, some books have been reputed as collections of Hadith that can be divided into three types: primary, early and later collections. One of these collections is Bihar al-Anwar which is compiled by Mohammad-Baqer Majlesi. After compilation, this great Shiite encyclopedia was listed in the three later collections of Hadith, and due to its wide volume and content that led it to be comprehensive, has been under special attention. This valuable book is comprehensive in various aspects but it is not clear exactly due to which features it is called a collection. Allama Majlesi did not clarify this issue and other scholars who wrote about Bihar al-Anwar have not paid much attention to this issue, too. This following article by the use of description and analysis method of texts and Hadith-historical sources is going to clarify aspects of comprehensiveness with emphasis on the clues in its preface and content. Investigations show the features of comprehensiveness include its numerous sources, broad issues and quantitative comprehensiveness, which make it different in contrast to other collections of Hadith. Also, the comprehensiveness of this book has a direct relationship with the preservation and publication of Shiite Hadiths in order to meet the Shiites daily life needs, which is an idea originates from the book of Ali (peace be upon him) and must be considered beside other aspects in order to realize deeper features of comprehensiveness of Bihar al-Anwar.

### Keywords

Bihar al-Anwar, Features of Comprehensiveness, Comprehensive of Sources, Collection of Hadiths, Comprehensive of Issues.

### Article Type: Research

1. Assistant Professor of Department of Quran and Hadith Studies, University of Mazandaran.  
Email: M.Musavi@umz.ac.ir

2. Responsible Author, Ph.D. Student of Quran and Hadith Studies University of Mazandaran.  
Email: m.aghajani14@gmail.com

Received on: 02/05/2021 Accepted on: 28/06/2021

Copyright © 2021, Musavi & Aghajani

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵  
شماره الکترونیکی: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

DOI: 10.30479/mfh.2021.2500

# مطالعات فہم حدیث



## نمودهای جامعیت بحارالانوار

سید محسن موسوی<sup>۱</sup>  
مجتبی آقاجانی<sup>۲</sup>

### چکیده

از قرون گذشته تا کنون کتاب‌هایی با عنوان جامع حدیثی شهرت یافته است که به جوامع اولیه، جوامع متقدم و جوامع متأخر قابل تقسیم است. یکی از این کتاب‌ها، بحارالانوار نوشته‌ی علامه مجلسی است. پس از نگارش، این دایره‌المعارف بزرگ شیعی در زمره‌ی جوامع حدیثی سه‌گانه‌ی متأخر جای گرفت و به دلیل گستردگی حجم و محتوای احادیثش که منتهی به جامعیت آن شده است، مورد توجه‌ی ویژه قرار گرفت. این اثر وزین از جهات گوناگونی دارای جامعیت است اما به طور دقیق، مشخص نیست که با چه شاخصه‌هایی، به آن اطلاق جامع می‌شود. علامه مجلسی در این باره توضیحی نداده است و همچنین نویسندگانی که پیرامون بحارالانوار قلم‌فرسایی کرده‌اند چندان به این موضوع عنایت نداشته‌اند. نوشتار پیش‌رو با روش توصیف و تحلیل متون و منابع حدیثی - تاریخی درصدد بیان شاخصه‌هایی برای جامعیت کتاب بحارالانوار با تاکید به قرائن موجود در مقدمه و محتوای این کتاب است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که نموده‌های جامعیت آن شامل جامعیت مآخذ و جامعیت موضوعی و کمی است که نقطه‌ی افتراق این کتاب با جوامع حدیثی دیگر است. همچنین جامعیت این کتاب رابطه‌ی مباحثی با حفظ و نشر احادیث شیعی در جهت رفع نیازهای زیستی شیعیان دارد که چنین دیدگاهی نیز ریشه در کتاب علی (ع) دارد و برای پی بردن به ابعادی عمیق‌تر از جامعیت بحارالانوار، در کنار سایر وجوه باید به آن توجه داشت.

### کلیدواژه‌ها

بحارالانوار، شاخصه‌های جامعیت، جامع مآخذ، جامع احادیث، جامع موضوعات.

### نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران. M.Musavi@umz.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول). m.aghajani14@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## ۱. طرح مسأله

پس از شکل‌گیری کتب اربعه (الکافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستبصار فی ما اختلف الاخبار) این نگاه‌هاست‌های حدیثی شیعه به جامع حدیثی شهرت یافتند. هرچند به طور دقیق مشخص نیست که این کتب از چه زمان و به چه علت با نام جامع خوانده شدند اما آنچه که مسلم است امروزه در جوامع شیعی با نام جامع شناخته می‌شوند. پس از نگارش کتب اربعه، کتاب‌های ثانویه‌ای به رشته‌ی تحریر درآمد که به «جوامع متأخر» شهرت یافت و مرجع رجوع عالمان دینی قرار گرفت. این کتاب‌ها عبارت است از: (الوافی، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار و تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل أحكام الشریعة) که به ترتیب نوشته‌ی ملامحسن فیض کاشانی، علامه محمدباقر مجلسی و شیخ حرعاملی است.

برای مفهوم جامع از سوی پژوهشگران حوزه‌ی حدیث تعاریف مختلفی ارائه شده است. به عنوان مثال «مقصود از جامع حدیثی، کتابی است که گستره‌ای بیش از یک موضوع دارد و ابواب، عناوین و روایاتی را در حوزه‌های متفاوت (همانند: فقه، اعتقادات، اخلاق، تفسیر و...) گزارش می‌نماید» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۵، ش: ۱، ۸) یا در تعریفی دیگر «جامع کتاب جامع الاطراف است که همه یا بیشتر احادیث وابسته به موضوع خود را دارا باشد» (طباطبایی، رضا داد، ۱۳۹۰، ش: ۱۱) و در تعریفی دیگر «به کتابی اطلاق می‌شود که مشتمل بر همه موضوعات و ابواب حدیثی باشد» (معارف، ۱۳۷۵، ش: ۱: ۴۳۸۲) و یا در تعریفی دیگر «به نظر می‌آید که تنها تعریف صحیح برای جامع حدیثی همان تعریف معروف و مشهوری است که نخست برخی از عالمان عامی مذهب ارائه کرده‌اند و می‌تواند شامل برخی از کتاب‌های مهم شیعه نیز بشود؛ همان که جامع را اثری دربردارنده روایاتی در هشت موضوع عقائد، احکام، سیر، آداب، تفسیر، فتن، اشراط الساعة، و مناقب می‌شناساند» (موسوی، حسین‌زاده، ۱۳۹۸، ش: ۱۳۰).

در این میان بحارالانوار که از آن به عنوان یکی از جوامع متأخر و جامع‌ترین کتاب حدیثی یاد می‌شود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این کتاب وزین که با تلاش علامه مجلسی و همکارانش به رشته‌ی تحریر درآمد به عنوان یکی از بزرگترین کتب جامع حدیثی شیعه، احادیث فراوانی را در خود جای داده است. این کتاب ارزشمند در دوره‌ی صفوی نگاه‌شده شد. دوره‌ای که به نظر می‌آید نیاز مبرم به بازسازی منابع حدیثی وجود داشته است.

در نگاه برخی پژوهشگران الزام پاسخ به نیازهای جامعه‌ی شیعی در دوره‌ی صفوی، سبب نگارش دایره‌المعارفی مانند بحارالانوار شد که به نظر می‌آید در آن بر پاسخ نیازهای مردم بر اساس احادیث، سعی شده است (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۲۷-۲۸). این نگاه پیش‌تر در کتاب‌های مانند الکافی کلینی و صحیح بخاری وجود داشته است. البته کهن‌ترین الگوی نگارش کتابی جامع برای پاسخ‌گویی به نیازهای مسلمین به «الصحیفه الجامعه» باز می‌گردد و به نظر می‌آید تمام کتاب‌های بعدی از این کتاب الگو گرفته‌اند. به همین دلیل در ظاهر علامه مجلسی نیز به پیروی از همین الگو به بازسازی احادیث و منابع حدیثی پرداخت و برای تدوین دایره‌المعارف حدیثی خود از کتب شیعه و اهل سنت بهره‌گرفت تا از این رهگذر کتابی جامع و پاسخ‌گو به جامعه‌ی شیعی ارائه دهد.

حال سوال این است که جامعیت این کتاب سترگ شیعی تحت چه عنوانی باید فهم شود؟ به نظر می‌آید مفهوم جامع در بحارالانوار به معنای وسیعی باید نگریسته شود زیرا این کتاب از یک سو جامع کتاب‌های حدیثی پیش از خود است (غیر از کتب اربعه) و از سویی دیگر در بردارنده‌ی کثرت احادیث در سه موضوع عقائد، اخلاق و فقه است که در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای شیعیان تدوین یافته و از همین رو می‌توان این کتاب را در این زمینه شبیه به کتاب «الکافی» کلینی دانست.

نوشته‌ی پیش‌رو تلاشی است در جهت شناخت نمودها و شاخصه‌های جامعیت کتاب بحارالانوار و بررسی معنای «جامع» در این کتاب که با روش توصیف و تحلیل متون، شواهد و منابع حدیثی و تاریخی و نتیجه‌گیری بر اساس محتوا، موضوع و روش این منابع و متون صورت پذیرفته است.

شاید بتوان گفت: مفهوم جامع در بحارالانوار به دو معنا قابل تصور است، یکی جامع‌کتب یا جامع‌مآخذ و دیگر جامع موضوعات (احادیث عقایدی، اخلاقی و فقهی). تا کنون از این منظر به کتاب بحارالانوار نظر نشده و تنها گاهی به صورت گذرا به این جنبه از کتاب توجه شده است. به عنوان مثال مختاری در کتاب اعتبارسنجی روایات بحارالانوار، رحمان‌ستایش در جوامع حدیثی شیعه و بحارالانوار، مددی در نگاهی به دریا، حب‌الله در المعبر من بحارالانوار و ... تنها به سویه‌هایی از جامعیت بحار، نظر کرده و چندان به بسط و استقلال این موضوع اهمیت نداده‌اند. تنها رسول جعفریان در مقاله‌ی «بحارالانوار از زاویه نگاه دایره‌المعارفی» تا حدودی به بررسی دیدگاه دایره‌المعارفی در بحار پرداخته است.

فهم نسبی مفهوم جامع در بحارالانوار به ما کمک خواهد کرد تا دیدگاه جدیدی نسبت به مجلسی، آراء و روش او در این کتاب داشته باشیم و برای تحلیل و بررسی محتویات، منابع، جامعیت و اعتبار بحارالانوار از آن بهره بجوییم.

## ۲. نگاهی گذرا به اصطلاح «جامع»

مفهوم «جامع» که مضافی است برای واژه‌ی «حدیث»، تعاریف متفاوتی را در میان علمای شیعه در بر گرفته است. کاربست این عنوان برای کتب حدیث، اصطلاحی نوظهور می‌نماید و به نظر می‌رسد هنوز درک واضح و فراگیری از آن شکل نگرفته است (موسوی، حسین‌زاده، ۱۳۹۸ ش، ۱۲۴). باید توجه داشت که در گذشته کتاب‌های فراوانی با نام «جامع» در میان علمای شیعه و سنی تألیف شده است. برای مثال می‌توان از «الْجَامِعُ الْمُسْنَدُ الصَّحِيحُ الْمُخْتَصَرُ مِنْ أُمُور رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ سُنَنِهِ وَ آيَاتِهِ» بخاری در میان اهل سنت و «کتاب الجامع» بزنتی در میان شیعیان نام برد (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۳۵۱). کاربرد این واژه را می‌توان تا زمان ائمه و اصحاب آن‌ها پی‌گیری کرد. در ظاهر، کهن‌ترین کتابی که با نام «جامع» از آن یاد شده است، «الصحیفه الجامعه» است که به املاي رسول‌الله (ص) و خط علی (ع) بوده و بنا بر آنچه که در روایات نقل شده است، تمام احتیاجات مردم (احیاناً منظور شیعیان است) در آن درج شده بود (صفار، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۱۴۲، ح ۱-۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۲۳۹).

از این کتاب با نام‌های متفاوتی مانند «کتاب علی» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۱: ۲۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۱) یاد شده است که با توجه به نقل‌های متفاوت کتاب بصائر به نظر می‌آید، دو نام برای یک کتاب واحد است (نک: صفار، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۱۴۶-۱۴۷). این صحیفه یکی از ارزشمندترین آثار حدیثی اسلامی به شمار می‌آید که احادیث فراوانی از امامان درباره‌ی ارزش و اهمیت آن به ما رسیده است و تقریباً در اکثر این احادیث بر گستردگی و همه‌جانبه بودن معارف این کتاب تأکید شده است تا آن‌جا که در روایات آمده است که در این کتاب چیزی از معارف الهی فروگذار نشده<sup>۱</sup> و حتی کوچک‌ترین مسائل مانند دیه‌ی خدشه در آن ذکر شده است<sup>۲</sup>. گزارشات حدیثی به ما می‌فهمانند که

۱. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْجَامِعَةِ قَالَ تِلْكَ صَحِيفَةٌ [طُولُهَا] سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي عَرِيضٍ [عَرْضُ] الْأَدِيمِ مِثْلَ فَخِذِ الْفَالِحِ فِيهَا كُلُّ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مِنْ قَضِيَّةٍ إِلَّا وَ هِيَ فِيهَا حَتَّى أُرْشَ الْخَدَشِ» (صفار، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۱۴۳).
۲. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ عِنْدَنَا لَصَحِيفَةً [طُولُهَا] سَبْعِينَ [سَبْعُونَ] ذِرَاعًا [إِمْلَاءَ] رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ خَطَّ عَلِيُّ (ع) بِيَدِهِ مَا مِنْ حَلَالٍ وَ لَا حَرَامٍ إِلَّا وَ هُوَ فِيهَا حَتَّى أُرْشَ الْخَدَشِ» (همان، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۱۴۳).

این صحیفه در جهت رفع نیازهای فکری و فعلی مسلمانان نگاشته شده بوده تا آنان هر آنچه در حوزه فکر و فعل نیاز دارند را از این کتاب و شارحان حقیقی آن یعنی ائمه دریافت کنند.

بنابر این در ظاهر ایده‌ی اولیه‌ی نوشتن کتابی جامع برای رفع نیاز زیستی شیعیان از «صحیفه‌ی جامعه» آغاز شده است و پس از تدوین چنین صحیفه‌ای به دست علی (ع)، محدثان و مولفان طبقات بعد به فکر افتادند تا کتاب جامعی تدوین کنند که مانند صحیفه‌ی جامعه پاسخگوی تمام نیازهای شیعیان باشد از این رو می‌توان گمانه زد که تمام کتاب‌های حدیثی مسلمین چه نام جامع در آن‌ها یافت می‌شده و چه واژه‌ی جامع در عنوان کتاب استفاده نشده است، از کتاب جامعه وام گرفته و کتاب خویش را بر مبنای جامعیت آن تألیف کرده‌اند.

با توجه به این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اهداف مهم یا مهمترین هدف جامع‌نگاری مانند علامه مجلسی از تألیف بحارالانوار در دسترس قرار دادن کتابی جامع بوده تا از این طریق نیازهای فکری و فعلی شیعیان را مرتفع سازد. همان ایده‌ای که حدود ده قرن پیش در «صحیفه‌ی جامعه» مطرح شده بود و برای مصنفان، مسندنویسان و جامع‌نگاران، الگویی کهن محسوب می‌شد. البته باید دقت شود که بن‌مایه‌ی تألیف کتاب بحارالانوار را می‌توان به صحیفه‌ی جامعه بازگشت داد و برای فهم جامعیت بحارالانوار باید به جزئیات این کتاب توجه کرد.

از این رو حدیث‌پژوهان معاصر نیز تا حدودی به اراییه‌ی تعریفی صحیح از این واژه همت گماشته‌اند. این اصطلاح در میان آن‌ها به صورت‌های گوناگونی تعریف شده که در هریک زاویه‌ی دید خاصی لحاظ شده است.

در یک تعریف به دو گونه از جوامع حدیثی توجه شده است. در این تعریف، جامع گاه به طور مطلق و گاه مضاف، به کار رفته است. گویا مراد از جامع به گونه مطلق، کتابی است که همه زمینه‌ها و آموزه‌های حدیثی را در بر گرفته باشد و مراد از آن به گونه مضاف نیز کتابی است که روایات آن، همگی در یک زمینه باشند (احمدی، رحمتی، ۱۳۸۹ ش، ۱: ۵۰). البته این نکته قابل دقت است که نویسندگان در ارانه‌ی مثال برای تعریف خود، اشاره‌ای به کتب اربعه نکرده و تنها مثال‌هایی را ذکر کرده‌اند که واژه‌ی «جامع» در عنوان کتب حدیثی ذکر شده باشد، مانند کتاب «الجامع فی الحدیث» اثر ابن‌ولید برای جامع مطلق و «جامع الاحادیث النبویه» از ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی رازی، برای جامع مضاف (نک: همان: ۵۱).

اما در نگاهی وسیع‌تر می‌توان جامع مطلق را در بر دارنده‌ی همه‌ی زمینه‌ها و آموزه‌های حدیثی دانست. برای مثال اگر بحارالانوار را جامع حدیثی مطلق بدانیم، هدف مجلسی جمع‌آوری تمام احادیث معتبر، در مسائل اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و غیره بوده است. همچنین کتاب‌هایی مانند: «تهذیب الاحکام» و «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» که در موضوعی خاص به نگارش در آمده‌اند را جامع مضاف دانست. این تعریف نیز با کاستی‌هایی همراه است. زیرا چه در تعریف مطلق و چه در تعریف مضاف، در برداشتن همه‌ی زمینه‌ها و موضوعات حدیثی غیر ممکن می‌نماید جز آن‌که گفته شود مقصود نویسندگان از این سخن این بوده که در جامع ابتدا به هدف نویسنده نگریسته می‌شود و سپس به کتاب او، یعنی اگر نویسنده کتاب خود را با این هدف جمع‌آوری کرده باشد که اکثر احادیث در زمینه‌های مختلف دینی در آن درج شده باشد، با این حال حتی اگر تعدادی حدیثی از چشم او دور مانده باشد و در کتاب او ذکر نشده باشد، باز هم می‌توان کتاب او را جامع نام نهاد، زیرا او با این هدف کتاب خود را نگاشته و در جمع‌آوری احادیث نیز اکثر آن‌ها را جمع کرده است مگر تعداد اندکی را. البته این تعریف نیز مانع نبوده و حد معینی از کتب را شامل نمی‌گردد و می‌توان کتاب‌های بسیاری را در این تعریف جای داد.

در تعریفی دیگر جامع به آن دسته از کتاب‌هایی گفته می‌شود که در موضوع خود، جامع‌الاطراف و در بردارنده همه یا بیشتر مسائل وابسته به آن موضوع بوده باشد (نک: طباطبایی، رضا داد، ۱۳۹۰ش، ۱۱). این تعریف نیز با اشکالی مواجه است که تعریف‌های پیشین دچار آن بود و تعریفی مانع، محسوب نمی‌شود.

به نظر می‌آید نتوان تعریف جامع و مانعی از اصطلاح جامع به دست داد، زیرا وسعت مفهومی این واژه، گستردگی و ساختارهای متفاوت کتب حدیث و اهداف مختلف نویسندگان از نگاشته‌های حدیثی، ارائه‌ی تعریفی جامع در این زمینه را سخت می‌کند، بنابراین شاید بهترین راه‌کار در این زمینه ارائه‌ی تعریف اصطلاح «جامع» برای هر یک از کتاب‌های حدیثی متناسب با همان کتاب باشد. در این روش واژه‌ی «جامع» قابل انطباق بر هر کتابی متناسب با موضوع، تعداد احادیث، هدف نویسنده و ... خواهد بود. همین روش در جامعیت بحارالانوار نیز قابل تطبیق است. از باب مثال تعریف جامع برای وسائل الشیعه و بحارالانوار متفاوت خواهد بود، هرچند که ممکن است نقاط مشترک فراوانی در تعریف جامعیت دو کتاب وجود داشته باشد، اما می‌توان گفت که قدر مشترک تمام کتب جامع، بازگشت به الگویی کهن دارد که طبق آن کتاب باید نیازهای فکری و فعلی مسلمین را برطرف کند.

### ۳. بررسی نمودهای جامعیت بحارالانوار

کتاب «بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار» تالیف علامه محمدباقر مجلسی است که احادیث آن به صورت مبیّ در ۲۶ کتاب یا ۲۶ مجلد از سوی او و همکارانش مرتب شده است. این کتاب یکی از بزرگترین و جامع‌ترین مجموعه‌های حدیثی جهان اسلام از ابتدا تا کنون به شمار می‌آید. گذشتگان جامعه‌ی شیعه بر این کتاب لقب جامع نهاده‌اند. برخی بر این باورند که سازمان تقسیماتی بحارالانوار، سازمان جامعی است که در آن در کلیاتش از کتب حدیثی پیشینیان مانند الکافی و شاید المحاسن الگوبرداری شده است که البته ابتکارات فراوانی در آن وجود دارد (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۳۹). ما نیز با در نظر گرفتن پیش‌فرض جامعیت بحارالانوار به دنبال اثبات شاخصه‌هایی برای جامعیت این کتاب هستیم. جامعیت این کتاب از جهات گوناگون قابل بررسی است که در این نوشتار سعی بر آن شده که از دو جهت کلی به آن پرداخته شود.

#### ۳-۱. شاخصه‌ی اول: جامع‌مآخذ

کتاب بحارالانوار از لحاظ اشمال بر منابع مختلف حدیثی کتابی کم‌مانند است. نویسندگان این کتاب از منابع شیعی گوناگون بهره جسته‌اند که به قولی تعداد این منابع شیعی «۳۶۵» کتاب و رساله (طارمی، ۱۳۹۷ش، ۲۷۰) و به نقلی دیگر «۳۷۸» منبع (رحمان‌ستایش، ۱۳۷۹ش، ۲۶۷) است. در تحلیلی نگاه علامه مجلسی در جمع‌آوری بحارالانوار به فراهم آوردن دایره‌المعارفی شیعی بوده که در آن روایات امامان (ع) پاسخ‌گوی نیاز شیعیان باشد که البته در این رهگذر وی از منابع تاریخی نیز بهره جسته است (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۴۱). مرحوم مجلسی در مقدمه‌ی بحارالانوار این منابع را نام برده و در صدد توثیق آن‌ها برآمده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶-۲۶). حال سوال این است که آیا با توجه به این کثرت منابع و مآخذ آیا می‌توان این کتاب را جامع‌مآخذ نامید یا خیر؟

پاسخ این سوال ارتباط مستقیمی با تعریف ترکیب «جامع‌مآخذ» دارد. با توجه به مضاف‌الیه این ترکیب، یعنی واژه‌ی «مآخذ» می‌توان جامع را این‌گونه تعریف کرد: «جامع کتابی است که در بر دارنده‌ی منابع حدیثی فراوانی باشد و کثرت این منابع در نگاه عرف دانشمندان دین‌پژوه به حدی برسد که به آن اطلاق جامع کنند». در ارایه‌ی این تعریف باید دقت شود که تنها به وجه جامعیت منابع باید نظر داشت و کثرت احادیث کتاب و احیاناً جامعیت ابواب جایگاهی در این تعریف نخواهد داشت.



برای اثبات این نوع از جامعیت باید شاخصه‌ی اصلی آن مورد امعان نظر قرار گیرد که عبارت است از «کثرت منابع». همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد در تنظیم و تکوین کتاب بحارالانوار از بیش از ۳۰۰ منبع حدیثی و تاریخی استفاده شده است. این کثرت در کتاب‌های حدیثی هم عرض بحار که در سال‌های بسیار دور از ائمه نوشته شده‌اند و منابع آن‌ها بیشتر شبیه به وجاده است، کم‌نظیر می‌نماید. علامه مجلسی برای به دست آوردن این منابع رنج زیادی را متحمل شده اما از این رهگذر بسیاری از آثار کهن شیعه که در سال‌های دور از اصول معتبره بوده و و علما بدان استناد می‌کردند را احیا کرده است (همان، ۱: ۳).

از جملات علامه مجلسی در مقدمه بحارالانوار معلوم است که وی به کتب متداول و مشهور زمان خود دسترسی داشته و در تدوین کتاب از آن‌ها بهره جسته است. مؤید این سخن، فهرستی است که وی پیش از تالیف بحار به نگارش آن همت گماشت. در این فهرست، فهرست بسیاری از کتب متداول حدیثی موجود است (همان: ۵: ۱۰۳؛ رحمان‌ستایش، ۱۳۷۹ش، ۲۵۶). همچنین مراجعه به احادیث وارد در بحارالانوار است که از منابع مختلف و فراوانی اخذ شده است، شاهد دیگری که این سخن را تایید می‌کند (برای نمونه نک: بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ۸۹: سرتاسر جلد). بسیاری از کتب حدیث که تا آن روزگار مورد کم‌توجهی قرار داشتند در اختیار علامه مجلسی قرار گرفته است. علاوه بر آن باید گفت که با مراجعه به مجلد اول بحارالانوار، به وضوح مشاهده می‌شود که مجلسی منابع مورد استفاده‌ی کتاب خود را نام برده و در صدد توثیق آن‌ها بر آمده است.

نکته‌ی دیگر که به نظر ضروری می‌نماید این است که علامه در این کتاب از منابعی بهره جسته که تا پیش از آن یا در دسترس نبوده و یا به دلایل گوناگون مورد غفلت واقع شده بودند که این خود به جامعیت منابع این کتاب می‌افزاید. در مقدمه‌ی بحار می‌آورد: «چون در آن‌ها دقت نمودم، دیدم مشتمل بر فواید زیادی است که کتب مشهور و متداول کنونی خالی از آن است. در میان آن‌ها بر بسیاری از مدارک احکام دین آگاه شدم، با این‌که اکثر علماء اعتراف کرده‌اند که کتب موجود، از وجود مدرکی که بتواند به تنهایی مأخذ حکم قرار گیرد، خالی است...» (همان، ۱: ۳).

از سویی دیگر باید گفت: علامه مجلسی در مقدمه‌ی کتاب خویش به توثیق مصادر کتاب پرداخته است و نه توثیق احادیث و این نکته به نحو ضمنی به ما می‌فهماند که

بحار الانوار جامعی است که در بردارنده‌ی کتب احادیث است، هر چند که جامع احادیث نیز می‌تواند باشد؛ به این معنا که وی در تدوین کتاب خویش، بیشتر به جمع‌آوری کتب صحیح و منقح، نظر داشته تا از این رهگذر به تعداد زیادی از احادیث معتبر (از منظر خویش) دست پیدا کند. این همان شیوه‌ایست که در مجامع متقدم شیعه نیز به چشم می‌خورد (مختاری هاشم‌پور، ۱۳۹۹ ش، ۱۵۳، به نقل از مدرسی ۱۳).

از این‌رو با توجه به گستردگی منابع بحار الانوار و مساعی علامه مجلسی در توثیق منابع و نه احادیث این کتاب، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اهداف وی در جمع این دایره‌المعارف، تدوین جامع‌مآخذ حدیثی بوده است و از همین‌روست که وی به توثیق احادیث این کتاب دست نیازیده بلکه منابع کتاب خویش را مورد توثیق قرار داده است. البته نباید از این نکته غافل شد که تدوین جامع‌مآخذ منافاتی با تدوین جامع روایات نداشته و به نحوی این دو اصطلاح در طول یکدیگر قرار می‌گیرند و تدوین جامع منابع می‌تواند به تدوین جامع احادیث منجر گردد همان‌طور که از عنوان کتاب نیز این‌گونه بر می‌آید.

با توجه به این شاخصه در تعریف جامعیت بحار الانوار باید گفت: که بسیاری از کتب شیعه از این شرایط برخوردار نیستند. برای مثال «الوفایی» فیض کاشانی جامع احادیث کتب اربعه است و نه جامع‌مآخذ حدیثی. همچنین کتب «امالی» نیز از این تعریف خارج می‌شوند. بنا براین بحار الانوار به یک اعتبار جامع منابع و مآخذ حدیثی است که البته این ویژگی در این کتاب به نحوه خاصی وجود دارد.

### ۲-۳. شاخصه‌ی دوم: جامع اعتقادی، اخلاقی و فقهی (جامع المقاصد)

جامعیت موضوعی احادیث کتاب بحار الانوار بر کسی پوشیده نیست. بررسی عناوین و روایات این کتاب، نشان می‌دهد که این دایره‌المعارف، شامل مسائل مختلف و متنوع دینی است و گستره‌ی موضوعی آن بسیار گسترده است. برخی بر این عقیده‌اند که: «در ارزش و گران‌قدری کتاب بحار الانوار علامه مجلسی، جای هیچ سخنی نیست. بی‌شک، نه پیش و نه پس از آن، کتابی به گستردگی و جامعیت بحار الانوار، در حدیث شیعه، پدید نیامده است» (وفایی، ۱۳۹۰ ش، ۱: ۲۲۵-۲۲۶؛ خدایاری، ۱۳۹۰ ش، ۱: ۳۸۲). همچنان که آقابزرگ تهرانی بر این مهم اذعان کرده است (آقابزرگ، ۱۴۰۸ ق، ۳: ۱۶).

جامع بودن این کتاب را با توجه به تعداد احادیث و موضوعات آن می‌توان از دو منظر کمی (تعداد احادیث) و کیفی (موضوعات و ابواب گوناگون) به بحث نشست.

از منظر کمی، تعداد احادیث وارده در این جامع کم‌نظیر است که آن را از لحاظ اشتغال بر تعداد احادیث در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌دهد. هرچند که عده‌ای ابراز داشته‌اند در این کتاب انواع احادیث صحیح و ضعیف یافت می‌شود و چه بسا اکثر روایات موجود در بحارالانوار از لحاظ سندی ضعیف است (محسنی، ۱۴۲۳ق، ۱: ۹) و شاید منظور آن‌ها این بوده که با کنار گذاشتن احادیث ضعیف این کتاب، تعداد احادیث صحیح آن تا این حد گسترده نخواهد بود، که این موضوع به نوعی مخل جامعیت این کتاب خواهد بود اما با این حال باید اذعان کرد که وسعت عددی روایات صحیح این کتاب نیز بسیار بالاست و از سوی دیگر نیز ملاکات صحیح و ضعیف نزد علما متفاوت است و باید در این باره به حدیث صحیح در دیدگاه مجلسی توجه داشت. بدیهی است که هدف از نوشتار پیش‌رو تنها بررسی شاخصه‌های جامعیت بحارالانوار است، از همین‌رو در باب صحت و سقم احادیث این کتاب سخنی به میان نخواهد آمد.

گذشته از آن‌چه که گفته شد با رجوع به خود کتاب و قیاس احادیث وارده در آن با کتب حدیثی دیگر این یقین حاصل می‌شود که کمیت احادیث بحارالانوار با کتاب‌های حدیثی دیگر قابل قیاس نیست. البته بیان این نکته ضروری است که پس از بحارالانوار کتاب‌هایی به رشته‌ی تحریر درآمد که در کمیت احادیث هم‌تراز بحارالانوار و به قولی نیز بزرگتر از بحارالانوار بودند که البته برخی از آن‌ها در حکم مستدرک این کتاب به شمار می‌آیند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ۱۵: ۳۵۶).

اگر ادعا کنیم که بحار معرّف توانایی‌ها، گستره و دیدگاه‌های علمی مجلسی است، گزاف نگفته‌ایم. این کتاب از بزرگترین و نامورترین جوامع حدیثی شیعه است که به لحاظ تنوع مباحث، آن را باید از مقوله آثار دائرةالمعارفی دانست (مختاری هاشم‌پور، ۱۳۹۹ش، ۱۳۰-۱۳۱) که وسعت احادیث آن منجر به وسعت ابواب و موضوعات این کتاب نیز شده است. گرچه تعداد موضوعات این کتاب از ۲۵ موضوع (کتاب) تجاوز نمی‌کند (رحمان‌ستایش، ۱۳۷۹ش، ۲۵۸-۲۶۱) اما این موضوعات (کتاب‌ها) شامل اجزای کوچک‌تری به نام باب است. این باب‌ها در یک سرشماری (۲۲۲۴ باب) (همان، ۲۶۲) و در سرشماری دیگری (۲۵۴۵ باب) (طارمی، ۱۳۹۷ش، ۲۷۰) و در شمارشی دیگر (۲۴۸۹ باب) (حجت، ۱۳۸۸ش، ۱۸۰) است که احادیث گوناگونی را در خود جای داده است. با گذر از تعدد ابواب این کتاب باید گفت: با نظر افکندن به عنوان کتاب و مقدمه آن می‌توان نتیجه گرفت که مولف نیز کتاب خود را جامع موضوعات می‌دانسته است.

او برادران خویش را مژده به کتابی جامع المقاصد می‌دهد. به نظر می‌آید منظور او از ترکیب «جامع المقاصد» این است که کتاب وی در بردارنده‌ی اکثر یا تمام نیازهایی است که فرد مسلمان به آن نیاز دارد. به عبارت دیگر روایات جمع شده در این کتاب نیازهای شیعیان را برآورده می‌کند. این همان نگاه دایره‌المعارفی در تدوین کتاب است. مؤید این سخن، ادامه‌ی کلام اوست که کتاب خویش را مشتمل بر انواع علوم دین می‌داند که شاید مقصود او از انواع علوم دین، روایات مختلفی است که شیعیان برای یادگیری عقائد و اخلاق و اسرار می‌توانند به آن‌ها رجوع کنند (هر آن‌چه که مسلمان شیعی در زیست خود به آن محتاج است). همچنین در این مقدمه او مدعی است که رجوع به این کتاب، شیعیان را از رجوع به کتب دیگر بی‌نیاز می‌کند. این سخن نیز قرینه‌ی مهمی است تا بدانیم که او کتاب خود را جامع احادیث و احیاناً جامع موضوعات می‌دانسته است. با توجه به این جامعیت بوده که کتاب خود را «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار» نام داده و خود به طور صریح به جامع بودن کتاب خویش و اشمال آن به دُرر اخبار ائمه (ع) اذعان کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۵-۶).

تمامی این سخنان به روشنی گویای آن است که علامه مجلسی قایل به جامعیت موضوعی کتاب خود بوده است زیرا اگر این چنین نبود، ادعا نمی‌کرد که با رجوع به این کتاب از سایر کتب بی‌نیاز خواهید بود و کتاب خود را «جامعه المقاصد» نمی‌نامید. این دیدگاه که از آن به دیدگاه دایره‌المعارفی نیز می‌توان یاد کرد، همان‌گویی است که رد پای صحیفه‌ی جامعه را می‌توان در آن مشاهده کرد، یعنی کتابی که در بردارنده‌ی تمام موضوعاتی است که شیعیان در حیات روزمره‌ی خویش بدان نیاز دارند و از این‌رو جامعه‌المقاصد خوانده شده است.

بحار الأنوار از این حیث بر کتب پیش از خود و حتی کتب پس از خود تقدم دارد، زیرا این کتاب پس از کتب اربعه و جوامعی مانند وافی نگاشته شده است لذا ترکیب «جامع المقاصد» در این کتاب باید در مفهومی وسیعی فهم گردد. وسعت موضوعات، ابواب و مسائلی که مجلسی در بحار به آن التفات داشته است بسیار وسیع‌تر از کتاب‌های پیش از خود است، زیرا اگر کتاب‌های حدیثی پیشین پاسخگوی نیازهای مردم بودند، از یک‌سو مردم پاسخ‌های خود را در میان جواب‌های فرقه‌های گمراه جستجو نمی‌کردند - همان‌طور که مجلسی در مقدمه‌ی بحار به آن اذعان کرده - و از جانب دیگر مجلسی انگیزه‌ی لازم و کافی برای تدوین چنین کتابی را نداشت. البته باید توجه داشت که جوامع متاخر در امتداد جوامع مقدم نوشته شدند تا مرتفع‌کننده‌ی اشکالات آن‌ها باشند و به

نحوی در حکم مستدرک برای کتب پیشین محسوب گردند. بنابراین علاوه بر این که می توان انگیزه‌ی علامه مجلسی را حفظ آثاری اعلام کرد که در معرض خطر بودند، باید هدف مهم دیگری نیز برای وی تعریف کرد و آن تدوین و تبویب جامع حدیثی است که با توجه به کهن الگوی کتاب علی (ع)، احادیث آن پاسخگوی نیاز مردم بوده است، کتابی جامع که مردم را از رجوع به سایر کتب مستغنی کند.

با نظر افکندن به فهرست موضوعات این کتاب و جزئیات آن، پی خواهیم برد که هر کدام از کتاب‌های بحار به باب‌های کوچکتری تقسیم می‌شود و هر باب شامل احادیث گوناگون در مورد موضوع خویش است. با نظر افکندن به ابواب این کتاب و احادیث وارده در آن‌ها باید گفت که بحارالانوار از لحاظ موضوعی، احادیث اعتقادی، اخلاقی و فقهی زیادی را داراست و جامعیت احادیث این کتاب باید تحت این عناوین فهم شود، یعنی جامعیت در تبویب موضوعات با توجه به نیازهای زمانه. به عنوان مثال در چاپ صد و ده جلدی این کتاب که توسط انتشارات دار احیاء التراث العربی نشر یافته، در مجلدات (۱ تا ۷۰) به مسایل اعتقادی چون توحید، احوال انبیا، زندگانی ائمه، کفر و ایمان و موضوعاتی از این قبیل پرداخته شده است هرچند که در همین مجلدات احادیث غیر اعتقادی نیز نقل شده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۷: ۶۵-۳۰۵). همچنین مجلدات (۷۱ تا ۷۶) به مباحث اخلاقی و در جلد‌های (۷۷ تا ۱۰۱) به مباحث فقهی اختصاص داده شده است هرچند که مجلدات (۸۹ و ۹۰) شامل مباحث قرآنی و جلد‌های (۹۱ و ۹۲) شامل ذکر و انواع دعاها است و نه مباحث فقهی.

با دقت در مباحث و موضوعات بحارالانوار باید گفت که بیشتر حجم کتاب به مباحث اعتقادی و تاریخی اختصاص یافته است به طوری که در نسخه‌ی ۲۵ جلدی، حدود ۱۵ جلد را همین مباحث در بر می‌گیرد (حب‌الله، ۱۴۳۷ق، ۱: ۱۱). موضوعات اعتقادی و تاریخی بحارالانوار از بسیاری از کتاب‌های هم‌عرض این کتاب که پیش‌تر در موضوعات مختلف نگارش یافته‌اند بیشتر است. برای مثال احادیث اعتقادی و تاریخی کتاب بحارالانوار در قیاس با احادیث اعتقادی الکافی کلینی بسیار بیشتر است. از باب نمونه «کتاب التوحید» الکافی کلینی طبق چاپ انتشارات دارالحدیث بخشی از جلد اول این کتاب را به خود اختصاص داده است که شامل ۳۵ باب و ۲۱۸ روایت است<sup>۱</sup> (نک:

۱. ابواب کتاب کافی از این قرار است: ۱- (کتاب التوحید)- باب حدوث العالم و إثبات المحدث. ۲- باب إطلاق القول بآنه شیء. ۳- باب آنه لا يعرف آلا به. ۴- باب أدنی المعرفة. ۵- باب المعبود. ۶- باب الكون و المكان. ۷- باب النسبة. ۸- باب النهی عن الكلام في کیفیة. ۹- باب في إبطال الرؤية. ۱۰- باب النهی عن الصفة بغير ما وصف به نفسه تعالى. ۱۱- باب النهی عن الجسم و الصورة.

کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۱۸-۴۰۵). همین کتاب در بحارالانوار چاپ دار احیاء التراث العربی مجلدات ۳ و ۴ را در بر می‌گیرد که جلد سوم آن دارای ۱۴ باب و حدود ۲۸۱ حدیث<sup>۱</sup> و جلد چهارم آن نیز دارای ۱۷ باب و حدود ۳۱۶ حدیث است که دو مجلد آن در جمع دارای ۳۱ باب و حدود ۵۹۷ حدیث است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۱-۳۹۹؛ ۴: ۱-۳۲۲) که نشان از وسعت محتوایی این کتاب در برابر الکافی دارد.

برخی از پژوهشگران عنوان کرده‌اند که در این مجموعه مرحوم مجلسی همت اصلی خود را به جمع‌آوری احادیث غیر فقهی اختصاص داده است؛ زیرا روایات فقهی در مجموعه‌های دیگر فراهم آمده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱: ۱۸۹). هر چند که در ادامه تذکر داده‌اند که بخش فقه بحارالانوار نیز بسیار گسترده و نزدیک به بیست جلد است. به نظر می‌آید که مقصود آن‌ها از ابراز چنین سخنی، روشن ساختن این نکته است که احادیث فقهی فراوانی در بحار آمده است اما مرحوم مجلسی بیشتر به جمع احادیث غیر فقهی همت گماشته است. این سخن به معنای انکار جامعیت فقهی کتاب بحارالانوار نیست، زیرا بر همگان روشن است که شامل بودن این کتاب بر بیست جلد از احادیث فقهی (مطابق چاپ ماشینی)، خود گواه بر جامعیت آن است. اما باید به این نکته

۱۲- باب صفات الذات. ۱۳- باب آخر و هو من الباب الأول. ۱۴- باب الإرادة أنّها من صفات الفعل و سائر صفات الفعل. ۱۵- باب حدوث الأسماء. ۱۶- باب معاني الأسماء و اشتقاقها. ۱۷- باب آخر و هو من الباب الأول إلا أن فيه زيادة و هو الفرق ما بين المعاني التي تحت أسماء الله و أسماء المخلوقين. ۱۸- باب تأويل الصمد. ۱۹- باب الحركة و الانتقال. ۲۰- باب العرش و الكرسي. ۲۱- باب الروح. ۲۲- باب جوامع التوحيد. ۲۳- باب النوادر. ۲۴- باب البداء. ۲۵- باب في أنّه لا يكون شيء في السماء و الأرض إلا بسبعة. ۲۶- باب المشيئة و الإرادة. ۲۷- باب الابتلاء و الاختبار. ۲۸- باب السعادة و الشقاء. ۲۹- باب الخير و الشر. ۳۰- باب الجبر و القدر و الأمر بين الأمرين. ۳۱- باب الاستطاعة. ۳۲- باب البيان و التعريف و لزوم الحجّة. ۳۳- باب اختلاف الحجّة على عباده. ۳۴- باب حجج الله على خلقه. ۳۵- باب الهداية أنّها من الله عزّ و جلّ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۱۸-۴۰۵).

۱۰۱- باب ثواب الموحّدين و العارفين، و بيان وجوب المعرفة و علّته، و بيان ما هو حقّ معرفته تعالى؛ ۲- باب علّة احتجاج الله عزّ و جلّ عن خلقه؛ ۳- باب إثبات الصانع و الاستدلال بعجائب صنعه على وجوده و علمه و قدرته و سائر صفاته؛ ۴- باب توحيد المفضّل. ۵- باب حديث الاهليجية. ۶- باب التوحيد و نفى الشرك، و معنى الواحد و الأحد و الصمد، و تفسير سورة التوحيد؛ ۷- باب عبادة الأصنام و الكواكب و الأشجار و التّيرين و علّة حدوثها و عقاب من عبدها أو قرّب إليها قرباناً؛ ۸- باب نفى الولد و الصاحبة؛ ۹- باب النهي عن التّفكّر في ذات الله تعالى، و الخوض في مسائل التوحيد، و إطلاق القول بأنّه شيء؛ ۱۰- باب أدنى ما يجزى من المعرفة في التوحيد، و أنّه لا يعرف الله إلا به؛ ۱۱- باب الدين الحنيف و الفطرة و صبغة الله و التعريف في الميثاق؛ ۱۲- باب إثبات قدمه تعالى و امتناع الزوال عليه؛ ۱۳- باب نفى الجسم و الصورة و التشبيه و الحلول و الإتّحاد، و أنه لا يدرك بالحواسّ و الأوهام و العقول و الأفهام؛ ۱۴- باب نفى الزمان و المكان و الحركة و الانتقال عنه تعالى، و تأويل الآيات و الأخبار في ذلك (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۱-۳۹۹).

توجه داشت وقتی گفته می‌شود بحارالانوار جامع فقهی است، به معنای جامع‌ترین کتاب فقهی نیست، بلکه ممکن است کتابی که منحصر در احادیث فقهی نوشته شده از بحار جامع‌تر باشد. جامعیت فقهی بحارالانوار می‌تواند به معنای در برداشتن احادیث فقهی فراوان در اکثر باب‌های فقهی باشد و نه همه‌ی احادیث و موضوعات فقهی، که علت آن نیز می‌تواند وفور این روایات در کتب پیشین به ویژه کتب اربعه باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد مجلسی با هدف نگارش جامع فقهی به تدوین بحارالانوار اقدام نکرده است از همین رو عدم نقل بسیاری از روایات فقهی نمی‌تواند قذحی به وی یا جامعیت بحارالانوار باشد.

برای مثال علامه مجلسی در باب موضوعات فقهی از قبیل قضا، شهادت، ارث، قصاص و دیات در جلد ۱۰۱ بحارالانوار از صفحات ۲۶۱ تا صفحه‌ی ۴۳۰ احادیثی ذکر کرده است اما همین موضوعات در کتاب وسائل الشیعه حدود سه جلد (جلدهای ۲۶ «ارث»، ۲۷ «قضا و شهادت» و ۲۹ «قصاص و دیات») را به خود اختصاص داده است که این خود، گواهی است که علامه مجلسی در صدد جمع‌آوری تمام احادیث فقهی نبوده و در این موضوع کتاب وسائل الشیعه بر بحار ترجیح دارد (حب‌الله، ۱۴۳۷ق، ۱: ۱۱).

شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل علامه مجلسی برای عدم نقل بسیاری از روایات فقهی، وجود این روایات در کتب اربعه باشد. زیرا روایات فقهی به شکل کافی و وافی در کتب اربعه آمده بود و از سویی نیز خطر از بین رفتن این روایات و کتب به علت اشتهار آن‌ها وجود نداشت و از جهتی مجلسی و پیش‌تر نیز پدر او بر این کتب فقهی شرح زده بودند مضاف بر آن که شروح متعدد دیگری برای این کتب وجود دارد که در عمل احتمال ضیاع این کتب را منتفی می‌کند، بنابراین دلیلی وجود نداشته که علامه مجلسی کتاب خود را حجیم‌تر کند. همین ویژگی را می‌توان وجه افتراق بحارالانوار از کتاب‌هایی مانند الوافی، وسائل الشیعه و جامع المعارف دانست که یا تماماً از کتب اربعه به نقل حدیث پرداخته‌اند و یا آن‌که در وهله‌ی اول و هدف اصلی آن‌ها نقل از کتب اربعه بوده است (مددی، ۱۳۹۳ش، ۲۶۳).

به عبارت دیگر وجه تفاوت بحارالانوار با بسیاری از کتب جامع هم‌عصر و پس از خویش و قبل از خود، آن است که در تدوین این کتاب محوریت احادیث با کتب اربعه نبوده است، علاوه بر این که تنوع موضوعات و تبویب باب‌ها بسیار درخشان و کم‌نظیر است.

بنابراین باید گفت که قیاس بین جامعیت فقهی بحارالانوار و وسائل الشیعه چندان نمی‌تواند درست باشد. برای نمونه «کتاب القضاء» و وسائل الشیعه که جلد بیست و

هفتم این کتاب را در بر می‌گیرد، دارای ابواب مختلفی است. باب اول این کتاب «ابواب صفات القاضی» است که شامل ۱۴ باب است که هر بابی موضوع و روایاتی را به خود اختصاص داده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۵-۳۰۵).

باب اول بخش «صفات القاضی»، «بَابُ أَنَّهُ يَشْتَرُطُ فِيهِ الْإِيمَانُ وَالْعَدَالَةُ فَلَا يَجُوزُ التَّرَافُعُ إِلَى قُضَاةِ الْجَوْرِ وَحُكَامِهِمْ إِلَّا مَعَ التَّقِيَّةِ وَالْخَوْفِ وَلَا يَمْضِي حُكْمُهُمْ وَإِنْ وَافَقَ الْحَقُّ» نام دارد که شامل ۱۰ حدیث است. از این ده حدیث تنها یک حدیث در بحار الانوار آمده است و آن هم حدیث سوم این باب است<sup>۱</sup> (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۱: ۲۶۵). علت عدم نقل ۹ روایت دیگر یعنی روایات (۱)، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ در بحار الانوار این است که تمام این روایات در کتب اربعه ذکر شده‌اند و مرحوم مجلسی دلیلی برای ذکر آن‌ها در بحار الانوار نداشته اما روایت سوم علاوه بر نقل در کتب اربعه در تفسیر عیاشی نیز نقل شده است و به همین دلیل علامه آن را در بحار ذکر کرده است (نک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۸۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۴۱۱، طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۱: ۲۶۵).

همچنین بخش دوم کتاب قضای وسائل الشیعه «آداب القاضی» نام دارد که شامل ۱۲ باب است که هر باب موضوع و روایاتی را داراست. باب اول این بخش «بَابُ أَنَّهُ يَشْتَرُطُ فِيهِ الْإِيمَانُ وَالْعَدَالَةُ فَلَا يَجُوزُ التَّرَافُعُ إِلَى قُضَاةِ الْجَوْرِ وَحُكَامِهِمْ إِلَّا مَعَ التَّقِيَّةِ وَالْخَوْفِ وَلَا يَمْضِي حُكْمُهُمْ وَإِنْ وَافَقَ الْحَقُّ» نام دارد که شامل ۲ روایت است (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۲۱۱-۲۱۳). روایت اول این باب در بحار الانوار ذکر نشده است و دلیل آن نیز نقل این روایت در کتب اربعه است (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۴۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۲۱۱) اما روایت دوم این باب<sup>۲</sup> با آن که در کتاب تهذیب نقل شده در بحار الانوار نیز

۱. «وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ- فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَلِمَ أَنَّ فِي الْأُمَّةِ حُكَّامًا يَجُوزُونَ أَمَّا إِنَّهُ لَمْ يَخْنِ حُكَّامَ أَهْلِ الْعَدْلِ وَلَكِنَّهُ عَنَى حُكَّامَ أَهْلِ الْجَوْرِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَوْ كَانَ لَكَ عَلَى رَجُلٍ حَقٌّ فَدَعَوْتَهُ إِلَى حُكَّامِ أَهْلِ الْعَدْلِ فَأَبَى عَلَيْكَ إِلَّا أَنْ يُرَافِعَكَ إِلَى حُكَّامِ أَهْلِ الْجَوْرِ لِيَقْضُوا لَهُ لَكَ مِمَّنْ حَاكَمَ إِلَى الطَّاعُونَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يُنَاحِكُمْ إِلَى الطَّاعُونَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۲، ۳).

۲. «وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرْزَارٍ عَنِ يُونُسَ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) لِعُمَرَ بْنِ النَّخَّاطِ- ثَلَاثُ إِنْ حَفِظْتَهُنَّ- وَعَمِلْتَ بِهِنَّ كَفَتَكَ مَا سِوَاهُنَّ وَ إِنْ تَرَكَتَهُنَّ لَمْ يَنْفَعَكَ شَيْءٌ سِوَاهُنَّ قَالَ وَمَا هُنَّ يَا أَبَا الْحَسَنِ- قَالَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ الْحُكْمُ بِكِتَابِ اللَّهِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ وَ الْقِسْمُ بِالْعَدْلِ بَيْنَ الْأَحْمَرِ وَ الْأَسْوَدِ قَالَ عُمَرُ لِعُمَرِ بْنِ لُقْدِ أَوْجَزَتْ وَ أَبْلَغَتْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۲).



آمده است (نک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲: ۳۴۹) و علت آن این است که روایت مورد نظر علاوه بر نقل در تهذیب در مناقب ابن شهر آشوب نیز ذکر شده (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۲: ۱۴۷) و به همین علت علامه مجلسی آن را در بحارالانوار درج کرده است.

بنابراین عدم نقل بسیاری از روایات فقهی در بحارالانوار دلیل بر عدم جامعیت فقهی این کتاب نمی‌تواند باشد زیرا اکثر روایاتی که در بحار نقل نشده در کتب اربعه آمده و رویه‌ی مجلسی نیز این بوده که تا حد امکان از کتب اربعه نقل نکند مگر در مواردی خاص و به دلالتی خاص که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد، بلکه او روایاتی که بین کتب اربعه و سایر کتب از لحاظ لفظ یا معنا مشترک بوده را ذکر کرده است (برای نمونه قیاس کنید: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳، باب طهور الماء، ح ۱-۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۷: ۸-۱۰، باب طهوریه الماء، ح ۱-۹).

این سخنان ما را به سوی این نتیجه هدایت می‌کند که اگر کتب اربعه نگارش نمی‌یافتند، علامه مجلسی به جمع‌آوری احادیث فقهی به صورت گسترده‌تری اقدام می‌کرد، همان کاری که در مورد احادیث اعتقادی و تاریخی انجام داد، زیرا در صورت عدم جمع‌آوری احادیث فقهی از جانب صاحبان کتب اربعه احتمال از بین رفتن احادیث و منابع آن‌ها وجود داشت و از همین رو می‌توان گفت که مجلسی به جمع کامل آن‌ها همت می‌گماشت.

به این ترتیب می‌توان گفت: که بحارالانوار همان‌گونه که از مقدمه‌ی این کتاب برمی‌آید کتابی است جامع در موضوعات مختلف سه‌گانه، به نحوی که کمتر کتابی را می‌توان در این موضوعات یافت که مانند بحارالانوار جامع باشد.

اما از این نکته نیز نباید غافل ماند که جامعیت بحار نیز دارای نواقصی است. هرچند که مرحوم مجلسی در تدوین بحار از روایات اهل سنت استفاده کرده است اما با این حال باید گفت جامعیت این کتاب از جهاتی نیز دچار کاستی است. در کتب عامه احادیث صحیح فراوانی دیده می‌شود که اسناد آن‌ها به ائمه می‌رسد اما مرحوم مجلسی آن‌ها را در بحارالانوار حتی به عنوان حدیث ضعیف نقل نکرده است (مددی، ۱۳۷۹ش، ۵۷). این مسئله از آن جهت موجب ضعف کار علامه مجلسی است که داعیه‌ی وی بر جامعیت این کتاب بوده و او کتاب خود را بی‌نیاز کننده از سایر کتب نامیده است و از سویی نیز جمع‌آوری احادیث مختوم به ائمه از ملزومات حدیث‌پژوهان به شمار می‌رود.

اما شاید بزرگترین اشکال وارد به مرحوم مجلسی و جامع‌نویسان پیش از او و پس از وی این است که آن‌ها شاخصه‌های معینی برای جامعیت کتاب خود مشخص نکرده و تنها به روش کار، ترتیب کتاب و تنسیق ابواب توجه داشته‌اند. چه بسا اگر مرحوم مجلسی در ابتدا تعریف خود از جامع را بیان می‌کرد و سپس به جمع احادیث و کتب و ترتیب موضوعات اقدام می‌کرد نظم کلی بحارالانوار بیش از پیش و گستردگی آن افزون بر حال بود. با این حال تنها می‌توان از روش کار، توجه به مقدمه و دقت به موضوعات و احادیث بحارالانوار تا حدودی به معنا و گستره‌ی مفهوم «جامع» نزد مجلسی پی برد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

۱- اصطلاح جامع، مفهومی شناور و نسبی است که برای استعمال آن، باید به مصادیق خارجی آن، یعنی کتب حدیثی نظر افکند و متناسب با آن کتب، این اصطلاح را به کار برد. در این میان برای انتساب کتاب بحارالانوار علامه مجلسی به جامعیت می‌توان معیارهای متفاوتی را در نظر گرفت که با توجه به هر یک از این معیارها، بحارالانوار در زمره‌ی جوامع حدیثی قرار خواهد گرفت. این معیارها قابل تقسیم به منابع، احادیث، موضوعات و ابواب است. برای مثال بحارالانوار کتاب جامعی است زیرا علامه مجلسی در تدوین آن از بیشتر کتب حدیثی موجود شیعی استفاده کرده است و از سویی نیز در بردارنده‌ی موضوعات حدیثی متفاوتی است. در تعبیری می‌توان بحارالانوار را جامع مطلق در برابر جامع مقید یا جامع اضافی نامید. در این دیدگاه بحارالانوار از کتاب‌های پیش از خود که عموماً شامل احادیث فقهی هستند متمایز شده و بیشتر به کتاب‌هایی مانند محاسن و کافی شباهت رسانده است. البته با این تفاوت که تنوع و تعداد ابواب و احادیث و موضوعات به کار رفته در این کتاب از تنوع بیشتری برخوردار است.

۲- در دیدگاهی دیگر جامعیت بحارالانوار به هدف نگارنده‌ی این اثر وابسته خواهد بود که در ظاهر رابطه‌ی مستقیمی با زیست مسلمان شیعه و توجه به نیازهای زندگانی آنان دارد. با توجه به این دیدگاه، بحارالانوار دایره‌المعارفی خواهد بود که هم از لحاظ تعداد احادیث و موضوعات حدیثی از جامعیت ویژه‌ای برخوردار است اما با این تفاوت مفهوم جامعیت متعلق به نیاز زیست شیعیان خواهد بود و جامعیت موضوعی و عددی از عواقب توجه به آن زیست خواهد بود. به عبارت دیگر این کتاب را به این دلیل می‌توان جامع نامید که پاسخگوی نیاز مسلمین شیعه است و از این رهگذر ابواب و موضوعات گوناگون را شامل شده است. از این نوع جامعیت می‌توان با نام «جامع المعارف» نام

برد و ریشه‌های چنین دیدگاهی را می‌توان تا صدر اسلام و کتاب علی (ع) ردگیری کرد که بنا به نقل‌های فراوان حدیثی، کتابی جامع بوده که همه چیز در آن ذکر شده است. ۳- با این همه باید اعتراف کرد که مفهوم جامع در بحارالانوار برای ما مفهومی ناشناخته بوده و از زوایای بیشتری باید مورد بررسی قرار گیرد اما از این نکته نیز نباید غافل بود که جامع در مفهوم هر اندازه که وسیع باشد در واقع و با توجه به به کتبی که به آن نسبت داده می‌شود همیشه با محدودیت‌های همراه است و انتظار نمی‌رود که وقتی کتابی را جامع می‌نامیم تمام احادیث یا موضوعات را شامل گردد، چنان‌که چنین کتابی تا کنون در هیچ رشته و موضوعی نگاشته نشده است.

### منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.  
 ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.  
 احمدی، مهدی، رحمتی، محمدکاظم، تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۹ش.  
 جعفریان، رسول، «بحار الانوار از زاویه نگاه دایرة المعارفی»، فصلنامه مشکوة، ۱۳۸۲ش، شماره ۸۰، صص ۲۱ تا ۵۴.  
 حب الله، حیدر، المعتبر من بحار الانوار، بیروت، دار محجة البيضاء، ۱۴۳۷ق.  
 حجت، هادی، جوامع حدیثی شیعه، تهران، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۸ش.  
 حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.  
 خدایاری، علینقی، تاریخ حدیث شیعه در سده‌های هشتم تا یازدهم هجری، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۰ش.  
 رحمان‌ستایش، محمدکاظم، جوامع حدیثی شیعه و بحارالانوار، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ش.  
 صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محقق: محسن کوچه باغی، قم، مکتب آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.  
 طارمی، حسن، بحار الانوار (دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۵)، زیر نظر حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۷ش.  
 طباطبایی، کاظم، رضاداد، علیه، «جامع‌نویسان پیش از کلینی»، همایش: بین المللی بزرگداشت ثقة الاسلام کلینی، ۱۳۸۸ش، صص ۷ تا ۴۶.  
 طباطبایی، محمدکاظم، تاریخ حدیث شیعه «۲»، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۰ش.  
 طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.  
 \_\_\_\_\_، رجال الطوسی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۷۳ش.  
 عیاشی، محمدبن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.  
 کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.  
 مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.  
 محسنی، محمد آصف، مشرعة بحار الأنوار، قم، مکتبه عزیزی، ۱۴۲۳ق.

- محمدی ری‌شهری، محمد و دیگران، دانشنامه قرآن و حدیث، مترجم: شیخی، حمیدرضا، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۵ ش.
- مختاری هاشم‌آباد، ابوطالب، اعتبارسنجی روایات بحارالانوار، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۹ ش.
- مددی موسوی، سید احمد، نگاهی به دریا، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۳ ق.
- \_\_\_\_\_، (روش‌شناسی بحارالانوار)، ماهنامه کتاب دین، ۱۳۷۹ ش، شماره ۳۴، صص ۵۶-۶۵.
- معارف، مجید، جامع حدیثی (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱)، زیر نظر مصطفی میرسلیم، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- موسوی، محسن، حسین‌زاده، اکرم، بازخوانی مفهوم جوامع حدیثی، دو فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۱۳۹۸ ش، شماره ۶۵، صص ۱۲۱-۱۳۴.
- وفایی، مرتضی، تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰ ش.